

اخطار کیهان به ترکیه و آذربایجان

اتفاقات در مرزهای شمال ایران بوی توطئه‌ای آمریکایی-اسرائیلی می‌دهد که در آن اردوغان به نوعی و علی‌اف به نوع دیگری به «بازی» گرفته شده‌اند. اما این برای ایران و روسیه یک بازی نیست تا بتوانند آن را نادیده بگیرند. آنان باید بدانند «رعایت برادران»، چک سفید امضا نیست که به اردوغان و علی‌اف داده باشد.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، کیهان نوشت که هم اردوغان و هم علی‌اف می‌دانند که دست ایران برای برهم زدن توطئه خالی نیست و انگشت اشاره جمهوری اسلامی ایران می‌تواند توطئه طراحی‌شده را برای آنها به گونه‌ای پشیمان‌کننده برهم بزند. سعدالله زارعی در سرمقاله امروز کیهان نوشت:

تحولات در مرزهای شمال غربی ایران می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر وزن سیاسی ایران و روسیه در تحولات منطقه قفقاز و حتی فراتر از آن داشته باشد. آنچه اکنون در مرزهای شمال غربی ایران مشاهده می‌شود، شکل‌گیری یک اتحاد نامرئی بین آمریکا، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و رژیم صهیونیستی است و هدف‌گذاری آن ایجاد یک تغییر ژئوپلیتیک با نتایج راهبردی علیه دو کشور ایران و روسیه است.

در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد: ۱- نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان محور گوریس قاپان در ارمنستان را مسدود کرده و اجازه عبور خودروهای سنگین ایران به ارمنستان را نمی‌دهند که این به منزله نقض حاکمیت دو کشور جمهوری اسلامی و جمهوری ارمنستان است و اگر استمرار پیدا کند در نهایت به کاهش نقش ایران در این منطقه منجر می‌شود. ضمن آنکه ایجاد تنش در مرزهای شمالی می‌تواند تا حوزه خزر امتداد پیدا کند.

همزمان با این فعل و انفعالات، ادبیات رسانه‌ای و محافل به‌ظاهر غیررسمی که در واقع بیان رسمی جمهوری آذربایجان به حساب می‌آید به سمت خصومت و حتی الفاظ کودکانه کشیده شده است. این در حالی است که ما بدون آنکه قصد تحقیر داشته باشیم نمی‌توانیم اندازه این جمهوری را با اندازه ایران و هر چیزی که معیار قدرت یک واحد جغرافیایی است، مقایسه کنیم؛ چرا که مقایسه فیل و فنجان است.

بنابراین ما نتیجه می‌گیریم که یک جریان شوم پشت این ماجراست که به بعضی افراد در جمهوری آذربایجان اجازه گنده‌گویی و لاف گزاف داده است. ۲- حذف خط ۲۱ کیلومتری مرزی ایران با منطقه ارمنستان و نیز حذف مرز ارمنستان در این منطقه که احتمالاً با تسلیم استان ارمنی سیونیک به آذربایجان صورت می‌گیرد، وضع ژئوپلیتیکی ایران در منطقه قفقاز را دچار مشکل می‌کند.

با توجه به گرایش‌های نژادپرستانه ترکیه و چشم طمع که به یال‌های شرقی و غربی دریای خزر دارد و نیز با توجه به نفوذ رژیم صهیونیستی طی سه دهه گذشته در جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، که دارای ابعاد نظامی هم شده و این رژیم منحوس را به یکی از طرف‌های اصلی فروش سلاح به این دو جمهوری تبدیل کرده و حتی فروش تسلیحات آمریکایی به این دو دولت، منوط به خرید نظامی آنان از این رژیم شده است و با توجه به تلاش جدی آمریکا برای بحران‌آفرینی در مرزهای جمهوری اسلامی، چشم بستن بر تحولات ژئوپلیتیکی شمال مرزهای ایران، خسارت و خطراتی را برای کشور ما در پی می‌آورد.

به همین جهت به هیچ وجه نباید به جمهوری آذربایجان اجازه داد این تحولات غیرطبیعی و توطئه‌محور را با واژه توافق فی‌مابین دو دولت تفسیر کند و مدعی اعمال حق حاکمیت در این مسئله گردد؛ چرا که حسن همجواری و منافع و مصالح طرف ثالث که یک قاعده پذیرفته شده بین‌المللی است و در همه کنوانسیون‌ها بر آن تأکید می‌شود، در اینجا کاملاً مخدوش می‌گردد.

آمریکا مدت‌هاست تلاش می‌کند تا تغییرات ژئوپلیتیکی را در یک نقطه از منطقه کلید زده و سپس در بقیه منطقه به نتیجه برساند و لذا اگر در اینجا تغییری رخ دهد، همه منطقه با تهدیدات ژئوپلیتیکی مواجه می‌شود.

۳- در این میان دولت ارمنستان و شخص پاشینیان که در مقایسه با دولت سابق این کشور، غرب‌گرا محسوب می‌شود، در چارچوب یک طرح آمریکایی &ndash؛ ترکیه‌ای و به امید واهی برخورداری شدن از مواهب سیاسی و اقتصادی به این طرح پیوسته است در حالی که خیانت به کشور ارمنستان می‌باشد.

دولت پاشینیان به این وعده آمریکا و ترکیه دل‌خوش کرده است که در صورت واگذاری استان سیونیک، می‌تواند از روابط مناسب و بی‌دغدغه با جمهوری آذربایجان و ترکیه برخوردار شود و حکومت خود را تثبیت نماید و از سوی دیگر با این وعده که به جای سیونیک، قره‌باغ شمالی در جمهوری ارمنستان ابقا خواهد شد، به این طرح فتنه‌گرایانه پیوسته است و حال آنکه از یک‌سو مسایل یکصد ساله میان ارمنه و ترک‌ها با یک توافق سیاسی قابل رفع و حل نیستند و از سوی دیگر در این صحنه ارمنستان دو امتیاز نقد ژئوپلیتیکی را می‌دهد و وعده نسبی تثبیت یک موقعیت جغرافیایی که هم‌اکنون هم در اختیار اوست می‌گیرد.

ارمنستان در این معامله همسایگی با ایران که می‌تواند از آن در شرایط مورد تهدید واقع‌شدن از سوی ترکیه یا آذربایجان و یا گرجستان استفاده کند را از دست می‌دهد و نیز یک استان حساس که جنبه ترانزیتی دارد را به دشمن خود واگذار می‌کند. در حالی که این خسارت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی با هیچ وعده اقتصادی و یا سیاسی قابل جبران نیست.

ارمنستان در مقابل، وعده تثبیت قره‌باغ شمالی -یک سوم قره‌باغ کوهستانی را دریافت می‌کند و حال آنکه پس از تثبیت شدن سیونیک به عنوان یک استان جمهوری آذربایجان، به‌طور قطع با حمله باکو به قره‌باغ شمالی مواجه می‌شود و این بخش ارمنی‌نشین را هم به سادگی از دست می‌دهد و در جغرافیای مخالفان خود محصور می‌گردد. در واقع پاشینیان در حال شکل‌دهی به یک خیانت تاریخی و یک بحران دائمی علیه جمهوری ارمنستان است.

۴- بسیاری از تحلیلگران گفته‌اند اردوغان و حزب او بعد از یک دوره مانور اسلام‌گرایی و پس از یک دوره مانور روسیه‌گرایی، به مرور روی واقعی خود را که هیچ ارتباطی با اسلام‌گرایی و شرق‌گرایی ندارد، نشان می‌دهد.

در این صحنه، دولت ترکیه به‌عنوان عضو ناتو در واقع مأموریت سنتی گسترش نفوذ این پیمان اروپایی-آمریکایی به حوزه نفوذ روسیه و نیز حوزه نفوذ ایران یعنی آسیای میانه را برعهده دارد و در این میان آمریکایی‌ها با تکیه بر افکار نژادپرستانه رجب طیب اردوغان و در واقع سواری گرفتن از او درصدد دستیابی به یک موقعیت راهبردی در غرب دریای خزر و در واقع در منطقه قفقاز جنوبی می‌باشند. آمریکا با گسترش روابط پنهان با دو جمهوری آذری و ارمنی و حل موقت خصومت میان آنان با روش مهار موقت آذربایجان و اغوای ارمنستان- درصدد تضعیف موقعیت دو دشمن خود ایران و روسیه در

منطقه قفقاز جنوبی و یال غربی خزر می‌باشد.

در این صحنه آمریکا به جای حضور مستقیم و آشکار از ظرفیت روابط امنیتی حدود ۳۰ ساله رژیم صهیونیستی با دو جمهوری آذربایجان و ارمنی استفاده می‌کند. اگرچه آمار دقیقی در دست نیست اما خبرهای متعدد بیانگر حضور امنیتی رو به رشد رژیم اسرائیل به‌خصوص در جمهوری آذربایجان با محوریت «پایگاه هوایی قبله» می‌باشد.

عدد نیروهای امنیتی اسرائیل بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر ذکر شده و این در حالی است که این رژیم جنایتکار در دهه گذشته نفوذ اساسی در ارکان جمهوری آذربایجان و خانواده الهام علی‌اف پیدا کرده است به‌گونه‌ای که سران صهیونیست از آذربایجان به «لبنان اسرائیل» یاد کرده و گفته‌اند ما از این طریق می‌توانیم جمهوری اسلامی را با یک چالش امنیتی طولانی‌مدت مرزی درگیر کرده و از اثرگذاری آن در منطقه بکاهیم. البته معلوم است که این ادعاها با توان آنان در تبدیل به واقعیت فاصله اساسی دارد.

۵- دولت‌های ترکیه و آذربایجان در حال دست زدن به ریسک‌های بزرگی هستند که می‌تواند پیش از دیگران خود آنان را در بحران وجودی فرو ببرد. دولت علی‌اف با شش میلیون جمعیت شیعه که بدون شک دل بسته مرکزیت شیعه هستند، مواجه است و دولت اردوغان در ترکیه با حدود ۲۳ میلیون شیعه علوی روبه‌رو می‌باشد. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه نخواست است از این ظرفیت‌ها برای گوشمالی اردوغان یا علی‌اف استفاده کند.

ما برخلاف آنان و براساس اصول اخلاقی خود، حسن همجواری را رعایت کرده‌ایم؛ تا جایی که فراتر از آن در دو نوبت حکومت‌های این دو خانواده را از ویرانی نجات داده‌ایم. حتماً الهام علی‌اف به یاد دارد که این همکاری مشترک امنیتی ایران و روسیه بود که انقلاب مخملین آمریکایی علیه حکومت آذربایجان به رهبری جورج سوروس را خنثی کرد و اساساً پروژه تغییرات آمریکایی دولت‌های آسیای میانه و منطقه را با شکست سنگین مواجه کرد. اردوغان هم به یاد دارد که این ایران و شخص سردار شهید سلیمانی بود که مانع به نتیجه رسیدن کودتای مورد حمایت آمریکا علیه او و حزب عدالت و توسعه گردید. تا اینجا ما نه تنها هیچ‌گاه وارد هیچ اقدامی علیه دولت‌های ترکیه و آذربایجان نشده‌ایم بلکه همواره از آنان حمایت هم کرده‌ایم.

هم اردوغان و هم علی‌اف می‌دانند که دست ایران برای برهم زدن این توطئه خالی نیست و انگشت اشاره جمهوری اسلامی ایران می‌تواند توطئه طراحی‌شده را برای آنها به گونه‌ای پشیمان‌کننده برهم بزند.

اتفاقات در مرزهای شمال ایران بوی توطئه‌ای آمریکایی- اسرائیلی می‌دهد که در آن اردوغان به نوعی و علی‌اف به نوع دیگری به «بازی» گرفته شده‌اند. اما این برای ایران و روسیه یک بازی نیست تا بتوانند آن را نادیده بگیرند. آنان باید بدانند «رعایت برادران»، چک سفید امضا نیست که به اردوغان و علی‌اف داده باشد.